

اصول آموزش احکام

● مهدی فاطمی

باید حقوق دریافتی خود را به همسرش بدهد؟» به ایشان عرض کردم: «مخارج خانه و هزینه‌های زندگی و نفقه زن بر عهده شوهر است. حتی اگر زن برای خودش در آمدی داشته باشد، بر زن واجب نیست که حقوق خویش را به شوهرش بدهد ولی گاه ممکن است نپرداختن حقوق به همسر اختلافاتی را در روابط زناشویی پدیدار کند و کدورت‌هایی را در زندگی به بار آورد.»

در نوشتار پیشین، یکی از اصول آموزش احکام، یعنی «ایجاد انگیزه» را بیان کردیم. اینک اصولی دیگر را در میان می‌نهمیم:

داشتن نگاه تربیتی و هدایتی

حدود ۱۵ سال پیش برای خواهران معلم، درس احکام را تدریس می‌کردم. یک روز، پس از پایان کلاس، مادری نزد آمد و پرسید: «آیا از نظر شرعی، زن

پاسخم که به این جا رسید، ناگهان بغضش ترکید و اشک از دیدگانش جاری شد و گفت: «آری، اختلافات شدیدی بین ما به وجود آمده و نشاط و طراوت زندگی از خانه ما رخت بر بسته است، زیرا شوهرم به من می‌گوید: باید حقوق معلّمی خود را به من بدهی تا خرج کنم. من از این کار امتناع می‌کنم. او از کار من عصبانی شده است و می‌گوید: پیوند زندگی با تو را از هم می‌گسلم!» به ایشان گفتم: «فکر می‌کنی در صورت داشتن عمر طبیعی - تا چند سال دیگر بتوانی کار کنی و با توجه به دوران بازنشستگی تا چند سال بتوانی حقوق دریافت نمایی؟» پاسخ داد: «حدود ۵۰ سال.» به او گفتم: «ماهی چقدر حقوق می‌گیری و چند فرزند داری؟» در آن زمان جواب داد: «ماهی ۶ هزار تومان و ۳ فرزند دارم.» در همان جا برای ایشان حساب کردم و گفتم: «حقوق دریافتی شما در تمام این مدت فقط سه میلیون و ششصد هزار تومان خواهد شد. آیا حاضری برای این مقدار پول، همه زندگی و سه فرزند خود را از

دست بدهی؟» با صداقت پاسخ داد: «نه، حاج آقا!» دو باره به ایشان عرض کردم: «دادن حقوقتان به همسران بر شما واجب نیست، شوهرتان کار درستی انجام نمی‌دهد و در حق شما ظلم می‌کند اما شما از حق و حقوق خویش گذشت کنید و برای سامان یافتن و با طراوت شدن زندگی‌تان و بی‌پناه نشدن فرزندان، حقوق معلّمی خود را فعلاً به همسران بدهید، به آن امید که روزی نگاهش به زندگی، نگاهی واقع بینانه و عادلانه و خرد ورزانه شود. «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید.»^۱

شما مادران بهتر از ما می‌دانید که برای فرزندان و به ویژه دختران، هیچ چیز نمی‌تواند جانشین قلب پر مهر و دستان پر محبت و نگاه پر لطف مادران گردد.»

در حالی که گفته‌هایم را تأیید و اشک‌هایش را پاک می‌کرد، گفت: «از این پس، برای سامان یافتن زندگی‌ام و بی‌پناه نشدن فرزندانم حقوقم را به همسرم خواهم داد.»

این مادر، پس از چند روز، دوباره نزد من آمد و گفت: «همسرم، پس از آگاه شدن از تصمیمی که گرفته‌ام، بسیار خوش اخلاق شده است.»

هدف از یادکرد این خاطره آن است که در آموزش احکام باید نگاهی تربیتی و هدایتی نیز داشته باشیم و فقط به بیان احکام و پاسخ به مسائل شرعی دانش‌آموزان اکتفا نکنیم، زیرا امکان دارد که در مواردی باعث بروز مشکلاتی یا فتنه‌هایی شود.

اگر تنها حکم شرعی آن سؤال گفته می‌شد، یا به این خواهر معلم گفته می‌شد که نباید حقوق خود را به همسرش بدهد و وظیفه شوهر است که هزینه‌های زندگی‌اش را تأمین کند و چه بد می‌کند که با شما چنین برخورد زشتی می‌نماید آیا احتمال نداشت که فتنه و آشوبی به پا شود؟

آیا در آموزش احکام مسائل جنسی و شرایط بلوغ و مسائل بعد از آن، نباید به جنبه‌های روانی و بهداشتی و تربیتی آن نیز توجه کنیم؟

آیا در پاسخ به مسائل و مشکلات

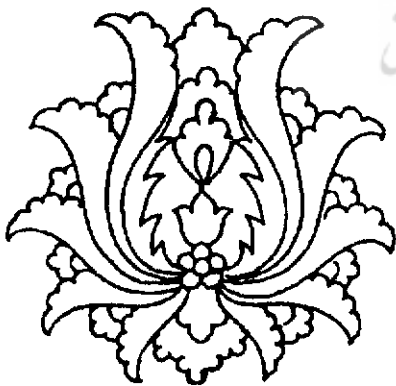
خانوادگی و احکام روابط دانش‌آموزان با پدران، مادران، خواهران و برادران خودشان، نباید مستحکم نگه داشتن بنیان خانواده را نیز در نظر داشته باشیم؟

آیا در پاسخ به حکم فقهی و سواس نباید در صورت امکان، عوامل و ریشه‌های روانی آن را نیز بررسی و شخص و سواسی را به انسانی معتدل و نرمال تبدیل کنیم؟

بهریز از استنباط‌های شخصی و

ذوقی

بیشتر کسانی که احکام و مسائل شرعی را آموزش می‌دهند، به درجه اجتهاد دست نیازیده‌اند تا بتوانند



اگر مقلد هستیم - که این چنین است - باید از فتوای مرجع تقلید خود پیروی کنیم و از استنباط‌های شخصی و سلیقه‌ای در مسائل فقهی خود داری ورزیم و فتوای مراجع تقلید در این مسأله همان است که برای شما نقل کردم.»



گاه نیز شنیده یا دیده می‌شود که می‌گویند: نگاه کردن مرد به صورت زن نامحرم جایز است، زیرا جابر بن عبد الله انصاری گفته است: «روزی همراه پیامبر خدا ﷺ وارد خانه حضرت زهرا علیها السلام شدم و دیدم که صورت حضرت زهرا علیها السلام زرد شده است.»^۴ از سوی دیگر، عده‌ای نیز می‌گویند: «زن نباید به مرد نامحرم نگاه کند و نباید بگذارد که مرد نامحرم به او نگاه کند، زیرا حضرت فاطمه علیها السلام

استنباط‌های فقهی را از منابع فقهی استخراج کنند و برای دیگران بیان کنند. بنابراین، اینان باید شدیداً از استنباط‌های شخصی و ذوقی در تدریس احکام بپرهیزند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«... إِيَّاكَ أَنْ تُفْتِيَ النَّاسَ بِرَأْيِكَ...»^۲؛ بپرهیز از این که طبق نظر (ذوقی) خویش به مردم فتوایی دهی.»

یک روز به شخصی که با معارف اسلامی آشنایی داشت، گفتم: «از نظر فقهی سجده کردن برای غیر خداوند حرام است.»^۳ در پاسخ گفت: «مگر در آیه ۶۱ از سوره اسراء نمی‌خوانیم که فرشتگان برای حضرت آدم علیه السلام سجده کردند، پس شما چگونه می‌گویید که سجده کردن برای غیر خداوند حرام است؟» به ایشان عرض کردم: «اولاً: باید به کتاب‌های تفسیر و مفسران قرآن مراجعه کنیم تا معنای درست آیه را دقیقاً بدانیم، زیرا در باره همین آیه شریفه و همین پرسش شما توضیحاتی را بیان کرده‌اند. ثانیاً: ما یا مجتهد هستیم و یا مقلد.

می‌فرمایند: «بهترین چیز برای زن این است که او هیچ مردی را نبیند، و هیچ مردی نیز او را نبیند.»^۵

در این گونه موارد، کسانی که مجتهد نیستند و ۶۲۳۶ آیه قرآن و دست کم ۴۰۰۰۰ حدیث معصومان علیهم‌السلام را در چهار کتاب معروف حدیثی و فقهی نخوانده و ندیده‌اند، از دلالت و معنای آیات و روایات و شناخت راویان احادیث اطلاع چندانی ندارند، چگونه می‌توانند با شنیدن یا دیدن یک آیه یا یک حدیث و بدون آگاهی و با شتاب، بر داشت فقهی از آن نمایند و به نام فتوا و دستور العمل شرعی، آن را برای دیگران نقل کنند! آیا نمی‌دانند که امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند:

«مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى لَعَنَهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَمَلَائِكَةُ الْعَذَابِ وَ لَحِقَهُ وِزْرٌ مِّنْ عَمَلِ بَيْتِيَاهُ»^۶

هر کس بدون دانش و رهنمونی به مردم نظری دهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب او را نفرین کنند و گناه هر کس که به نظر او عمل کرده است، دام‌گیرش می‌شود.^۷

بنابراین باید کاملاً مواظب باشیم که از استنباط‌های شخصی و ذوقی در مسائل فقهی بهره‌زیم و دین و آخرت خود را به خطر نیندازیم و کاری نکنیم که این سخن شوخی گونه‌ی یکی از استادان احکام شامل حالمان شود که می‌فرمودند: «انسان در مسائل شرعی یا مجتهد است یا محتاط است یا مقلد است یا طلبه و استاد احکام.» و حال آن که می‌دانیم در رساله‌های عملیه فقط به سه نوع اول اشاره کرده‌اند و نوع چهارمی وجود ندارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- مسهراب سپهری.
۲- کافی، ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، ج ۸، ج ۱ (اصول کافی)، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش، ص ۲۲.

۳- توضیح المسائل مراجع، گردآوری سید محمد حسن بنی‌هاشمی خمینی، ج ۲، ج ۱، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۵۵۶، مسأله ۱۰۹۰.

۴- کافی، همجو، ج ۵ (فروع کافی)، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش، ص ۵۲۹.
۵- بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، تصحیح محمد باقر بهبودی، ج ۱۰، ج ۴۳، چاپ دوم، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۶ش، ص ۸۴، از: مناقب ابن شهر آشوب.
۶- کافی، همان، ج ۱، ص ۴۲.